

محمלתق

لسان الملک سپهر

و ناسخ التواریخ

• رضا شجری قاسم خلی

دانشجوی مقطع دکتری، دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

عصر قاجاریه از بسیاری جهات یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی ایران است. تجددخواهی و نوگرایی ایرانیان در زمینه‌های مختلف تمدن، فرهنگ، در حکومت و سیاست، جملگی ریشه در این دوره دارد. برای شناخت روند تحول و نوسازی ایران در زمینه‌های مختلف، بدون تردید باید به عصر قاجاریه برگشت، شناخت عصر قاجاریه نیز به نوبه‌ی خود بدون درک و شناخت مسائل جهان و چگونگی برخورد حکومت و جامعه‌ی ایران با این مسائل ناکافی و نارسا خواهد بود. ایران در آستانه‌ی قرن نوزدهم - همزمان با تأسیس سلسله‌ی قاجاریه - به علل مختلف

کانون توجه کشورهای بزرگ جهان در آن روزگار واقع شد. ایرانیان از طرق مختلف با اروپاییان آشنا شدند: رفت و آمد تجار، سفراء، سیاحان، اعزام محصل به اروپا، جنگ‌های ایران و روسیه و... گسترش ارتباط ایران با دول خارجی پیامدهای مختلفی داشت. مهم‌ترین نتیجه آن پی بردن دولتمردان، روشنفکران و مردم ایران به میزان عقب‌ماندگی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان بوده است. از دیگر نتایج آن می‌توان به رخنه اندیشه‌های سیاسی نوین در جامعه‌ی ایران، نوسازی ارتش، حرکت به سوی مدرنیزاسیون اشاره کرد. به جهت این تأثیرات عمیق و گسترده، شناخت مناسبات خارجی ایران با سایر دولت‌ها بسیار اهمیت دارد. پرواضح است که شناخت مناسبات خارجی ایران از لابه‌لای متون تاریخی بدون نقد و بررسی همه‌جانبه منابع تاریخی امکان‌پذیر نخواهد بود.

از جمله متون تاریخی مهم در دوره‌ی مورد بحث، «کتاب ناسخ التواریخ» اثر میرزا محمدتقی سپهر است. این کتاب که تاریخ قاجاریه را تا دهه‌ی اول حکومت ناصرالدین شاه تحت پوشش داده است، حاوی مطالب مختلف و متنوعی در زمینه تحولات داخلی و روابط خارجی ایران عهد قاجاریه است. در این پژوهش برآنیم که مباحث مربوط به مناسبات خارجی ایران با سایر دولت‌ها در ناسخ‌التواریخ بررسی نموده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

در این مقاله ابتدا شرحی از احوال و آثار سپهر را آورده و سپس در فصل دوم به معرفی اجمالی کتاب «ناسخ‌التواریخ» پرداخته‌ایم. بخش



تهران در عصر قاجاریه

و کتاب اول ناسخ‌التواریخ (جلد اول و دوم) را به رشته تحریر درمی‌آورد و سپس در زمان ناصرالدین شاه به دستور او و تحت توجهات صدراعظم نوری وقایع عصر ناصری را بدان می‌افزاید.^۴

میرزا محمد تقی سپهر پس از عزل نوری از سال ۱۲۷۶ ق به عضویت مجلس مصلحت خانه درآمد. سال وفات او را ۱۲۹۷ ق در تهران ذکر کرده‌اند.

آثار لسان‌الملک سپهر

لسان‌الملک مردی دانشمند، ادیب و فاضل و شاعر بود آثار به‌جا مانده، از او بدین شرح است: ۱- محمودالقصاید ۲- براهین العجم فی قوانین المعجم ۳- اسرار فی مناقب الائمة الاطهار ۴- آئینه جهان‌نما ۵- جنگ‌التواریخ ۶- دیوان اشعار ۷- ناسخ‌التواریخ شامل: کتاب اول ناسخ‌التواریخ: از هبوط آدم تا هجرت محمد (ص) در ۲ جلد. کتاب دوم ناسخ‌التواریخ: از هجرت پیامبر تا پایان احوالات امام حسین (ع) در ۶ جلد. ناسخ‌التواریخ قاجاریه: از ابتدای قاجاریه تا سال ۱۲۷۳ ق در ۳ جلد.

نظری اجمالی به ناسخ‌التواریخ قاجاریه

کتاب ناسخ‌التواریخ عهد قاجاریه در ۳ مجلد تنظیم شده است: مجلد اول آن به بیان نسب قاجاریه، احوال فتحعلی خان قاجار، پادشاهی محمد حسن قاجار^۵ و آقا محمد خان و فتحعلی شاه تا ۱۲۵۰ ق اختصاص یافته است. در مجلد دوم مؤلف به تحولات عصر محمدشاه نظر دارد و جلد سوم آن را در عصر ناصرالدین شاه نگاشته است.^۶ محتوی کتاب نشان از آن دارد که هر سه جلد کتاب در عصر ناصری

اصلی مقاله مربوط به نقد و بررسی ناسخ‌التواریخ با موضوع روابط خارجی ایران و حدالامکان در مقایسه با سایر متون تاریخی این دوره است.

نگاهی به احوال و آثار سپهر

میرزا محمد مستوفی فرزند ملامحمدعلی کاشانی، ملقب به لسان‌الملک و متخلص به سپهر بوده و به لسان‌الملک سپهر اشتهار دارد. تاریخ تولد او ۱۲۱۶ ق در کاشان است.^۱ زندگی سپهر را می‌توان به سه بخش در عصر سلطنت سه تن از پادشاهان قاجار تقسیم کرد:

۱- ۱۲۱۶-۱۲۵۰ ق. دوره سلطنت فتحعلی شاه (دوره نشو و نما)
 ۲- از ۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق. دوره سلطنت محمد شاه (دوره شکوفایی)
 ۳- از ۱۲۶۴-۱۲۹۷ ق. دوره سلطنت ناصرالدین شاه (دوره اشتهار)
 میرزا محمدتقی تحصیلات مقدماتی خود را در شهر کاشان به پایان رساند. در آن ایام به تحصیل علوم غربیه چون رمل و هیأت و خواندن تورات و زبور و همچنین تعلیم خط به‌ویژه نستعلیق پرداخت. سپس به تحصیل عروض و قافیه و آنگاه به سرودن شعر روی آورد و در قصیده‌ای به مدح فتحعلی خان صبا ملک‌الشعرای فتحلی شاه قاجار پرداخت. ملک‌الشعرا که طبع او را موزون یافت، وی را مورد تشویق قرار داد، حتی دختر خویش را به عقد همسری سپهر درآورد.^۲ سپهر در دربار محمدمیرزا قاجار، از شاهزادگان بلافصل، بود نشو و نما یافت و دیوان محمودالقصاید را در سال ۱۲۴۱ ق به او تقدیم کرد.^۳

سپهر در ایام نزاع بر سر جانشینی فتحعلی شاه، از طرفداران محمد شاه در برابر عموهایش بود. به‌نظر آقای کیانفر، سپهر در سال ۱۲۵۸ ق به دستور محمد شاه و به تشویق آقاسی مأمور نگارش تاریخ قاجاریه می‌شود

محتوی کتاب نشان از آن دارد که هر سه جلد کتاب در عصر ناصری و آن هم در دوران صدارت آقاخان نوری نگاشته شده است

لسان الملک سپهر

و آن هم در دوران صدارت آقاخان نوری نگاشته شده است: مؤلف در اول کتاب میرزا اسدالله نوری - پدر میرزا آقا خان نوری - را وزیر لشکر آقا محمد خان معرفی می‌کند.^۶ و در زمان فتحعلی شاه هم پدر آقاخان را جز وزرای اربعه به‌عنوان وزیر لشکر می‌آورد.^۷ در حالی که بنا به نظر رضاعلی خان هدایت، میرزا اسدالله نوری در عصر آقامحمد خان «لشکر نویس» بوده و در زمان فتحعلی شاه ارتقاء یافته و «چندی کشیکچی‌باش امرای دربار و سرکردگان و غلامان خاصه بود.»^۸ بنا به گفته محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر لشکر فتحعلی شاه میرزا هدایت‌الله بوده است. نویسنده صدرالتواریخ علت این امر را «تعلق» خاطر نسبت به صدر اعظم آقاخان نوری می‌داند: «بدین جهت هر جا که از میرزا اسدالله نوری یادآور می‌شود، عملاً اسم او را به تجلیل یاد می‌کند و او را وزیر لشکر قرار می‌دهد.»^۹

نقد و بررسی روابط خارجی ایران با سایر دولت‌ها در ناسخ التواریخ

عمده‌ترین موضوعات مورد بررسی سپهر عبارتند از: ذکر نسب ایل قاجار، تلاش و تکاپوهای قاجارها برای تشکیل سلطنت، ذکر شورش‌های داخلی و چگونگی سرکوب آن‌ها توسط حکومت مرکزی، شرح عزل و نصب‌ها، القاب و نشانه‌هایی که به افراد اعطا می‌شد، فرامین و اقدامات شاه و وزرا، نزاع‌های جانشینی، درگیری با ایلات افغان، ترکمانان تکه، یموت و سالور در شرق و شمال شرق ایران و روابط ایران با سایر دول و خارجی.

محوریت بحث اکثر کتاب‌هایی که در نیمه‌ی اول عصر قاجاریه (۱۲۱۰-۱۲۷۳ هـ.ق) نگاشته شده‌اند، «مناسبات خارجی ایران با سایر دولت‌ها» است. مانند «مآثر السلطانیه» مفتون دنبلی یا «اکسیر التواریخ» اعضاضالسلطنه و «تاریخ نو» از جهانگیر میرزا. وجه مزیت آثاری چون «مآثر السلطانیه»^۴، «اکسیر التواریخ»^۵ و «تاریخ نو»^۶ به ناسخ التواریخ و سایر آثاری که بعدها نگاشته شده‌اند، این است که نویسندگان آثار مذکور در جریان جنگ‌ها و حوادث حضور مستقیم داشته‌اند. رضاعلی خان هدایت صاحب «روضه الصقای ناصری» که تاریخ ایران از صفویه تا سال ۱۲۷۴ ق را آورده است نیز به مناسبات خارجی ایران در عهد قاجاریه اهمیت فراوانی داده است.

اما آثاری که به تحولات بعد از سال ۱۲۷۳ ق پرداخته‌اند، بیشتر به تحولات داخلی ایران نظر داشته‌اند. از جمله می‌توان به آثاری چون «المآثر و الآثار» و «تاریخ منتظم ناصری» از محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، از تواریخ عهد مظفری «افضل التواریخ» اثر میرزا حسین خان افضل الملک، همراه الوقایع مظفری از عبدالحسین خان سپهر، تاریخ بیداری ایرانیان ناظم‌الاسلام کرمانی اشاره کرد.

به نظر می‌رسد علت امر به مقتضیات زمانی نیمه اول عصر قاجاریه (۱۲۱۰-۱۲۷۳ هـ.ق) برمی‌گردد که ایران به‌یکباره مرکز توجه کشورهای بزرگ جهان در ابتدای قرن ۱۹ واقع شد و اهمیتی که به‌واسطه نزدیکی به هند برای سه کشور انگلیس و فرانسه و روسیه یافت، کشمکش‌های

در ذیل حوادث سال ۱۲۴۲ ق (جلد اول کتاب) سپهر تصریح دارد که اثر را در زمان صدارت نوری نوشته است. نویسنده می‌گوید: فتحعلی شاه آقاخان نوری را «طلب فرموده ملازم خدمت و ملتزم رکاب داشت، با اینکه هنوز سنین عمرش به‌عشرین نرسیده بود، به تفرس ملکانه و الهام دولت کارنامه‌ی وزارت و طغرای صدارت در ناحیه‌ی احوالش مشاهده می‌فرمود. چنانچه امروز مکنون خاطر آن پادشاه کارآگاه مکشوف و معلوم اهالی ایران و تمامت اعیان جهان است، منصب صدارت کبری به‌وجودش بلندآوازه و خاطرهای پُرمرده و دل‌های افسرده به زلال احسانش طری و تازه است. چنانچه انشاءالله عن‌قریب بازنموده خواهد شد.»^{۱۱}

در نهایت انتقاد از اقدامات آقاسی و ماکوییان در جلد دوم اثر، این احتمال را که دو جلد نخست ناسخ التواریخ در عصر صدارت آقاسی نگاشته شده باشد، کاملاً از بین می‌برد. مسأله‌ی جانبداری از آقاخان نوری، صدر اعظم وقت، که در جای جای کتاب به چشم می‌خورد؛ به مهم‌ترین نقطه ضعف ناسخ التواریخ تبدیل شده است.

نثر کتاب «انشاء متکلف و منشیانه»^{۱۲} دارد. جهانگیر قائم‌مقامی در این باره می‌گوید: «نثر کتاب در پاره‌ای از موارد جنبه‌ی ابداع و فضل‌فروشی به خود گرفته است و بالنتیجه پیچیده و مشکل شده است و در بسیار مواقع هم ساده و روان است. ولی روی هم رفته باید گفت با آن که نثر آن به مراتب ساده‌تر و روان‌تر از نثر دوره‌ی افشاریه و زندیه است. معهداً به سبب همان غیرطبیعی بودنش در تحول نثر زبان فارسی جایی ندارد،

محوریت بحث اکثر کتاب‌هایی که در نیمه‌ی اول عصر قاجاریه نگاشته شده‌اند، «مناسبات خارجی ایران با سایر دولت‌ها» است. مانند «مآثر السلطانیه» مفتون دنبلی یا «اکسیر التواریخ» اعتضادالسلطنه و «تاریخ نو» از جهانگیر میرزا

لسان الملک سپهر

محاصره هرات، دخالت‌های مک‌نیل سفیر انگلیس در جهت ممانعت از تصرف هرات محور اصلی بحث سپهر است. نکته جالب این که در سال ۱۲۵۶ ق زمانی که روابط ایران و فرانسه - با آمدن کنت دو سرسی و معلمین سواره و پیاده به ایران - بهبود پیدا می‌کند. مؤلف اقدام به درج عهدنامه فین‌کن‌اشتاین سال ۱۲۲۲ ق می‌کند.^{۲۲} به دنبال توسعه روابط ایران با سایر دول اروپایی سپهر به درج صورت عهدنامه‌های تجاری بین ایران - بلژیک ۱۲۵۷ هـ. ق و ایران و اسپانیا ۱۲۵۸ هـ. ق می‌پردازد. سفارت میرزا تقی خان فراهانی به ارزنه الروم^{۲۳} و درج صورت عهدنامه ارزنه الروم دوم بین ایران - عثمانی و سفارت محمدعلی آشتیانی به عثمانی و فرانسه ۱۳۶۳ ق از آخرین مباحث مربوط به روابط خارجی ایران در عهد محمدشاه است. برخورد سپهر با «آقاسی» صدراعظم مقتدر عصر محمدشاه هم بهتر از برخورد او با صدراعظم‌های قبل و بعد او نیست و به‌هیچ وجه نقش فعال او را در تحولات داخلی و خارجی نمی‌نمایاند و هر از گاهی جهت بدگویی یادی از او و ماکوئیان می‌کند. زیرا آقاخان نوری به‌دست آقاسی از کار معزول و به کاشان تبعید شده بود.^{۲۴} علی‌رغم این که در عصر ناصری به سبب نزدیکی به دوران مؤلف، باید بهترین و مستندترین گزارشات را در زمینه تحولات داخلی و خارجی از سپهر انتظار داشت ولی همان‌طوری که گفته شد، به‌جهت ارادت سپهر به صدراعظم وقت و اینکه نویسنده تاریخ را به اشاره او می‌نگارد و طبیعتاً انتظار صله و مرحمت او را نیز دارد، به تمجید و تعریف بی‌حدوحصر از آقاخان نوری می‌پردازد و کارهای نیک دیگران را در پرونده او ثبت می‌کند.^{۲۵} و کارهای نسنجیده و نکوهیده او را توجیه نموده و نیک می‌نمایاند و در مقابل اقدامات و اصلاحات مفید مخالفین و حریفان^{۲۶} او را ندیده می‌گیرد.^{۲۷} اعتمادالسلطنه در این بار می‌نویسد: «چنانچه محض خشنودی میرزا آقاخان صدراعظم، از میرزا تقی‌خان اتابک اعظم که قبل از او صدارت داشته برنوشته و به تخفیف اسم او را یاد می‌کند و تدبیرات صائبه او را نمی‌نگارد».^{۲۸} این حب به ولی نعمت و آن بغض به رقیب و حریف یعنی امیرکبیر ریشه‌ی بسیاری از تحریفات و کاستی‌ها در نسخ‌التواریخ است.

از تحریفات در زمینه حوادث داخلی که بگذریم در زمینه تحولات خارجی به‌هیچ عنوان به نقش تأثیرگذار و فعال امیرکبیر در روابط با روسیه، انگلیس و کنترل مداخلات آن‌ها در امور داخلی و گسترش

ارزی که با دولت‌های همسایه به مانند روسیه و عثمانی داشت، می‌طلبید. به مناسبات خارجی، که قسمت اعظم وقت، انرژی و توان کشور را به خود معطوف داشته بود، بیشتر توجه گردد تا تحولات داخلی.

ناسخ‌التواریخ نیز که به نیمه‌ی اول عصر قاجاریه نظر دارد، از قاعده‌ی فوق مستثنی نیست. موضوعاتی چون: آمدوشد سفرای خارجی مانند انگلیس، هند، روسیه، فرانسه، عثمانی به دربار ایران و رفتن سفرای ایرانی بدان کشورها، عهدنامه‌های سیاسی، تجاری و دوستی با دول خارجه، مسأله جنگ و درگیری با روسیه و عثمانی، مسأله افغانستان و دخالت انگلیس و تحریکات روسیه، اصطکاک دولت ایران با اعراب حوزه دریای عمان و خلیج فارس، گسترش روابط ایران در ادوار بعدی با دولت‌هایی چون اتریش، اسپانیا، بلژیک و... قسمت اعظم ناسخ‌التواریخ را تشکیل می‌دهد.

سپهر در ذکر وقایع سال‌های ۱۲۱۲ ق و ۱۲۱۳ ق تنها اشاره‌ای به سفارت یک ایلچی انگلیسی بدون ذکر نام او و مأموریت او به ایران می‌کند.^{۱۷} سپس به یکباره به سراغ تحولات سال‌های ۱۲۱۷ ق و ۱۲۱۸ ق یعنی آغاز جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه می‌رود. تحولات سیاسی ۱۲۱۸ ق تا ۱۲۲۸ ق تحت‌الشعاع جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه قرار دارد. حتی مؤلف به گسترش روابط ایران و فرانسه، که منتهی به عقد عهدنامه فین‌کن‌اشتاین و آمدن ژنرال گاردان به ایران گردید، توجه چندانی ندارد.^{۱۸} و آمدن سرهارد فورد جونز و سرجان ملکم و سرگوراوزلی را که منتهی به انعقاد عهدنامه‌ای مفصل شد، بدون آوردن متن عهدنامه به اختصار برگزار می‌کند. سپهر بعد از آن به تفصیل به شرح جنگ‌های ایران و روسیه و مقدمات صلح پرداخته و متن عهدنامه‌ی گلستان را نیز آورده است.^{۱۹}

سال‌های ۱۲۳۶ تا ۱۲۳۸ ق به مسائل و اختلاف ایران و عثمانی اختصاص داده شده است. شرح و تفصیل وقایع سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۴۴ ق که ناصر به جنگ‌های دوره ایران و روسیه و سفارت گریبایدوف است، قابل مقایسه با سال‌های قبل و بعد نیست. این درحالی است که مؤلف وقایع سال‌های ۱۲۳۹ ق را تنها در یک صفحه آورده است.^{۲۰}

در عصر محمدشاه عدم توجه سپهر به اقدامات و اصلاحات قائم مقام و مقاومت او در برابر انعقاد پیمان تجاری با انگلستان که به قیمت جانش تمام شد، قابل تأمل است.^{۲۱} سال‌های ۱۲۵۳ الی ۱۲۵۵ ق موضع

بدون بهره‌گیری از این کتاب ناقص و نارسا خواهد بود. با وجود این سپهر نیز به مانند همه مورخین رسمی که تاریخ به امر حکومت و دربار می‌نویسند، قلمش را به نفع صاحبان قدرت و ولی نعمتش می‌چرخاند. بنابراین پژوهشگر در استفاده از این دست منابع باید به برخی الزامات و محدودیت‌های نویسندگان رسمی توجه نموده و جانب احتیاط را رعایت نماید.

سپهر علاوه بر شاه به صدراعظم وقت ارادت خاص دارد و ضمن توجیه اقدامات آن‌ها، این دو را به عرش اعلی می‌برد و به تخریب و تقبیح مخالفین، دشمنان و مغضوبین دستگاه و دولت می‌پردازد.

با همه این تفصیل، با نقد همه‌جانبه و دقیق یک اثر می‌توان سره را از ناسره بازشناخت و در بازسازی تاریخ - این بار بازسازی مناسبات خارجی ایران عهد قاجاریه - از مصالح صحیح و محکم بهره برد. بنا به آنچه گفته شد مهم‌ترین نقاط ضعف ناسخ‌التواریخ عبارتند از: این اثر در مورد وقایع عهد آقا محمدخان و فتحعلی شاه به مناسبت دور بودن از عصر مؤلف و عدم حضور نویسنده در متن و جریان وقایع، نسبت به تواریخ هم عصر آن پادشاهان، ارزش درجه دوم دارد. در مورد ادوار پادشاهی محمدشاه و ناصرالدین شاه به جهت دشمنی صدراعظم محبوب با صدراعظم‌های پیشین یعنی آقاسی و امیرکبیر و قائم‌مقام که مغضوب محمدشاه قاجار بود، نوشته‌های سپهر - حداقل در مورد این شخصیت‌ها آثار و اقوال آن‌ها - چندان قابل اعتنا نیست.

فهرست منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون؛ امیرکبیر و ایران، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸.
- اعتمادالسلطنه، علیقلی میرزا؛ اکسیر التواریخ؛ به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، انتشارات ویس، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ صدرالتواریخ؛ به تصحیح محمد مشیری، تهران، انتشارات روزبهان، ۱۳۵۷.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ تاریخ منتظم ناصری، تصحیح دکتر اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- امانت، عباس؛ قبله عالم، ترجمه حسن کاشاد، تهران، نشر کارنامه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- جهانگیر میرزا؛ تاریخ نو، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۷.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۳.
- سپهر، میرزا محمدتقی؛ ناسخ‌التواریخ به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷.
- سپهر، میرزا محمدتقی؛ ناسخ‌التواریخ؛ به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- طاهری، ابوالقاسم؛ روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس، جلد دوم، انتشارات انجمن آثار ملی، بی‌تا.
- مقتون دلیلی، عبدالرزاق؛ مآثر السلطانیه؛ صحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، انتشارات روزنامه ایران، چاپ اول، ۱۳۸۳.

مناسبات خارجی ایران با سایر دولت‌ها هیچ اشاره‌ای نداشته است. امیرکبیر نه تنها سیاست خارجی ایران را از حالت انفعال بیرون آورد و بدان تحرک بخشید بلکه علی‌رغم رأی و نظر دو کشور انگلیس و روسیه توجه خویش را به گسترش روابط با آمریکا، اطریش و پروس، برای ایجاد موازنه در سیاست خارجی، معطوف داشت.^{۳۹}

رضاقلی خان هدایت که اثر خویش «روضه‌الصفای ناصری» را در عهد نوری نگاشته است مبتلا به همین «تقصیه» است. او صریحاً عنوان می‌کند که قصیده‌ای در مدح نوری گفته و ۱۵۰ تومان صلح دریافت نموده است.^{۴۰} او به تعریف و تمجید بی‌اصل و اساس از نوری می‌پردازد. مثلاً فتح هرات و صلح پاریس را نیز در زمره خدمات نوری می‌داند.^{۴۱} اما تفاوت هدایت با سپهر این که، هدایت در مورد امیرکبیر انصاف بیشتری به خرج داده و برخی از اقدامات او را بیان کرده است.^{۴۲}

نکنه بعدی درباره‌ی قرارنامه شیل - نوری ۱۲۶۹ ق در مورد هرات است که یکی از اسناد بی‌کفایتی و خیانت نوری است. در این قرارنامه، نوری «استقلال افغانستان» را سال‌ها قبل از عهدنامه «پاریس» به رسمیت شناخت و دولت ایران تعهد کرد از هر دخالتی در مور داخلی افغانستان احتراز جوید و از تمام ادعاهای خود راجع به زدن سکه و هر علامت و اثری که اطاعت هرات را به ایران نشان بدهد، صرف‌نظر کند.^{۴۳} سپهر عهدنامه مذکور را چنان به‌صورت خلاصه آورده است که در آن هیچ یک از موارد فوق که حاکی از قبول استقلال هرات به دست نوری است، در آن دیده نمی‌شود.^{۴۴} سپهر هرچند متن کامل عهدنامه پاریس را درج می‌کند^{۴۵}، اما آن را در زمره‌ی اقدامات هوشیارانه و زیرکانه صدراعظم می‌داند که «مخاصمت بین دولتین به مسالمت پیوسته و کار مناطحت به مصالحت افتاد.»^{۴۶}

نویسنده کتاب تاریخ منتظم ناصری حتی از درج عهدنامه‌های مهمی چون پاریس و آخال خودداری می‌نماید.^{۴۷} این درحالی است که اعتمادالسلطنه عهدنامه‌های تجاری به مراتب کم‌اهمیت‌تر بین ایران - بلژیک و ایران - اسپانیا را مورد توجه قرار داده و نسبت به درج آن‌ها در کتاب خود اقدام نموده است. پس حداقل از این حیث سپهر براعتمادالسلطنه برتری دارد. سپهر همچنین به‌طور انتخابی به ترجمه قسمت‌هایی از روزنامه‌های بلژیک، انگلیس و فرانسه در مورد برخی مسائل خارجی مربوط به ایران و انگلیس می‌پردازد.^{۴۸}

سپهر به مانند رضاقلی خان هدایت اثرش را با خبر انتصاب محمدقاسم خان به ولیعهدی ناصرالدین شاه به پایان می‌برد، با این تفاوت که سپهر آن را ذیل حوادث سال ۱۲۷۳ ق و هدایت آن را ذیل حوادث ۱۲۷۴ ق آورده است.

نتیجه

محمدتقی لسان‌الملک سپهر، در زمره پرکارترین و فاضل‌ترین دانشمندان عصر قاجاریه است. کتاب ناسخ‌التواریخ یکی از مهم‌ترین متون تاریخی مربوط به این دوره است که هرگونه تحقیق و پژوهشی

- محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، جلد دوم، تهران، انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ۱۳۶۱.
- هدایت، رضاقلی خان؛ روضه الصفاى ناصرى، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

پی نوشت

- ۱ - لسان الملک سپهر، محمد تقی، «ناسخ التواریخ» به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷، ص ۵ مقدمه.
- ۲ - لسان الملک سپهر، محمد تقی، «ناسخ التواریخ» به اهتمام جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۳۰.
- ۳ - منبع پیشین، ص ۳۱.
- ۴ - منبع پیشین، ص ۳۶.
- ۵ - برخی از مورخین رسمی عصر قاجاریه آغاز سلسله قاجاریه را به قبل از آقامحمدخان قاجار می‌رسانند به‌عنوان نمونه علیقلی خان اعتضادالسلطنه، آقا محمد خان را سومین پادشاه قاجاریه معرفی می‌کند. او محمد حسن خان و حسینقلی خان را پادشاهان اول و دوم سلسله قاجار می‌داند. رک. اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، «اکسیر التواریخ» به اهتمام جمشید کیانفر، تهران انتشارات ویس، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۱۶-۲۷.
- ۶ - لسان الملک سپهر، محمد تقی، همان منبع، به اهتمام کیانفر، ص ۲.
- ۷ - منبع پیشین، ص ۸۰.
- ۸ - همانجا، ص ۱۴۵.
- ۹ - هدایت، رضاقلی خان، «روضه الصفاى ناصرى» به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۸۴۱۴.
- ۱۰ - اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، «صدرالتواریخ»، به تصحیح محمد مشیری، تهران، روزنهان، ۱۳۵۷، ص ۵.
- ۱۱ - سپهر، همانجا، ص ۴۰۸.
- ۱۲ - زرین کوب، عبدالحسین، «تاریخ ایران بعد از اسلام»، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، ۱۳۷۳، ص ۴۲.
- ۱۳ - لسان الملک، سپهر، همان منبع، به اهتمام جهانگیر قائم مقامی، ص ۳۶.
- ۱۴ - مفتون دینی، عبدالرزاق، همانجا، ص ۲۱، او در جنگ‌های دوره اول در رکاب عباس و میرزا میرزا عیسی قائم مقام حاضر بود.
- ۱۵ - اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا؛ همانجا، مقدمه. اعتضادالسلطنه در جریان محاصره هرات مأمور نگارش کتاب اکسیر التواریخ به امر محمد شاه گردید.
- ۱۶ - جهانگیر میرزا؛ همانجا؛ ص ج. مؤلف در جنگ‌های دوره دوم ایران، روسیه به عنوان صاحب منصب نظامی حاضر بود.
- ۱۷ - سپهر، میرزا محمد تقی، همان منبع، ص ۱۰۹، در حالی که مأموریت مهدی علی خان بهادر جنگ و به دنبال آن سرجان ملکم از اهمیت بسیار بالای در تحولات تاریخ عصر قاجاریه برخوردار است.
- ۱۸ - تنها در دو صفحه به آمد و شد سفرای ایران و فرانسه بدون آوردن متن عهدنامه فین کن اشتاین و مأموریت گاردان می‌پردازد. همانجا، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.
- ۱۹ - همانجا، ص ۲۴۰-۲۴۶.
- ۲۰ - همانجا، ص ۳۵۳.

- ۲۱ - برای اطلاع بیشتر در مورد نقش قائم مقام در ممانعت از پیشبرد اهداف انگلیس در ایران. رک. طاهری، ابوالقاسم؛ «روابط بازرگانی و سیاسی ایران و انگلیس» جلد دوم، انتشارات انجمن آثار ملی، بی‌تا، فصل سوم و چهارم.
- ۲۲ - همانجا، ص ۷۴۳-۷۴۸.
- ۲۳ - سپهر تنها در این جا به ذکر تدابیر و توانایی‌های میرزا تقی خان فراهانی در انجام هرچه بهتر مأموریتش و ترفیع نام ایران اقدام می‌کند. رک. همانجا، ص ۸۳۷ و ۸۳۹ و ۸۴۲.
- ۲۴ - رک: امانت، عباس، «قبله عالم» ترجمه حسن کامشاد، تهران، نشر کارنامه، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲.
- ۲۵ - سپهر در مورد تأسیس سد گرگان و احداث چاپارخانه، آنها را به امر شاه دانسته و نقش امیر را ندیده می‌گیرد و تأسیس دارالفنون و فرستادن مسیو جان داوود در جستجوی معلم به اتریش را در زمره اقدامات آقاخان می‌آورد. رک. سپهر، همانجا، ص ۱۱۳۱، ۱۷۰، ۱۱۳۷.
- ۲۶ - رقیب اصلی نوری در صحنه سیاست امیرکبیر بوده است و نوری مخالف سرسخت او بود. امیرکبیر به‌عنوان اولین اقدام بعد از ورود به تهران نوری را به کاشان فرستاد، در کنار مهد علیا، خالوهای شاه، میرزا یوسف آشتیانی، نوری از مهم‌ترین کسانی بود که در براندازی و قتل امیرکبیر نقش ایفا نمود. رک. امانت، عباس؛ همانجا، صص ۵۷ و ۲۰۳.
- ۲۷ - اصلاحات امیرکبیر در مالیه، منظم کردن خل و خرج، جلوگیری از رشوه خواری، امور نظام، صنعت جدید و کشاورزی، امور شهری و خدمات عمومی، تأسیس دارالفنون و روزنامه وقایع اتفاقیه، ترجمه و نشر کتاب و ... فراوان و قابل ملاحظه و شگفت‌انگیز است. برای اطلاع بیشتر رک. آدمیت فریدون آدمیت فریدون، «امیرکبیر و ایران» تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ هشتم، ۱۳۷۸، صص ۲۶۵-۲۶۲.
- ۲۸ - اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان؛ «صدرالتواریخ»، ص ۵۷.
- ۲۹ - برای اطلاع بیشتر در مورد روابط خارجی ایران در عصر امیرکبیر رک. آدمیت، همان منبع، فصول ۲۵-۳۱.
- ۳۰ - هدایت رضاقلی خان؛ همان منبع، ص ۸۹۶۷.
- ۳۱ - در مورد خدمات نوری رک: همان منبع، صص ۸۹۴۸-۸۹۵۵.
- ۳۲ - همانجا، ص ۸۵۲۸.
- ۳۳ - طاهری، ابوالقاسم؛ همانجا ص ۳۲۶ و ۳۲۵. و محمود؛ «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، جلد دوم، تهران، انتشارات اقبال، چاپ چهارم، ۱۳۶۱، صص ۶۴۹-۶۵۱.
- ۳۴ - سپهر، همانجا، ص ۱۲۲۳.
- ۳۵ - همان منبع، صص ۱۴۵۰-۱۴۵۵. سپهر عهدنامه پاریس را ذیل حوادث سال ۱۷۷۲ ه. ق. آورده درحالی که در انعقاد عهدنامه پاریس در سال ۲۷۳ هیچ تردیدی نیست. رک. محمود، محمود، همانجا، ص ۶۹۵-۷۰۱.
- ۳۶ - همانجا، ص ۱۵۲۸.
- ۳۷ - رک. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان؛ «تاریخ منتظم ناصری» تصحیح دکتر اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۳، ذیل حوادث سال‌های ۱۲۷۳ و ۱۲۹۹ ه. ق.
- ۳۸ - سپهر، همانجا، صص ۱۴۱۱-۱۴۱۷.